

علم رفت، منصور آمد: تغییری در راستای اراده شاه

۱۶ اسفند ۱۴۰۴ ساعت ۹:۴۳

امیر اسدالله علم که پس از توافق آمریکا و شاه ایران در ۲۸ تیرماه ۱۳۴۱ به نخست‌وزیری رسیده بود، سرانجام پس از بیست ماه صدارت به اراده شاه و بدون اعتنا به قوه مقننه استعفا کرد و جای خود را به حسنعلی منصور داد. این استعفا و سپس انتصاب منصور، از نظر سرعت عمل در مشروطیت ایران بی‌سابقه بوده است زیرا در همان روز که علم از کار بر کنار شد، منصور به این مقام انتخاب گردید و او که از ماه‌ها قبل مهیای این منصب بود، در همان روز، وزرای خود را معرفی کرد. از نظر ملت ایران دوران حکومت اسدالله علم، یکی از تاریک‌ترین ایام در روزگار سیاه سلطنت محمدرضا پهلوی است. برگزاری رفراندوم فرمایشی شاه و ملت، حمله به مدرسه فیضیه و بالاخره قیام خونین پانزدهم خرداد ۴۲، از جمله وقایع مهم این دوران می‌باشند.

یک روز پس از استعفای دکتر علی امینی، در ۳۰ تیر ۱۳۴۱ [اسدالله علم](#) به نخست‌وزیری گمارده شد و افراد زیر را برای کابینه خود معرفی کرد: علی اصغر نقدی (وزیر جنگ)، عبدالحسین بهنیا (وزیر دارایی)، سید صادق امیرعزیزی (وزیر کشور)، عباس آرام (وزیر خارجه)، عطاءالله خسروانی (وزیر کار)، هوشنگ سمیعی (وزیر پست و تلگراف)، ابراهیم ریاحی (وزیر بهداری)، حسن ارسنجانی (وزیر کشاورزی)، پرویز ناتل خانلری (وزیر فرهنگ)، غلامحسین جهانشاهی (وزیر اقتصاد)، داوود رجبی (وزیر راه)، غلامحسین خوشبین (وزیر دادگستری)، طاهر ضیایی (وزیر صنایع و معادن)، نصرالله انتظام (وزیر مشاور)، مسعود فروغی (وزیر مشاور)، محمدعلی صفی‌اصفیا (رئیس سازمان برنامه).^۱

علم از همان ابتدا خود را نوکر شاه نامیده بود. وی در موقعیت‌های مختلف خود را «چاکر جان‌نثار»، «غلام‌خانه‌زاد» و «سگ آستان» شاه و سلطنت می‌نامید.^[۲] و با تکرار آن در مجالس مختلف باعث شد احساسات منفی مردم علیه او افزایش یابد. دولت ایران در جهت کاهش درگیری‌های بلوک غرب و شرق در دوران جنگ سرد با هماهنگی آمریکایی‌ها به دولت شوروی تعهد داده بود که اجازه تأسیس پایگاه‌های نظامی به مخالفین حکومت شوروی را نخواهد داد و در مقابل نیز به دولت آمریکا متعهد شده بود که به شوروی اجازه نخواهد داد در ایران پایگاه موشکی ایجاد کند. از جمله اقدامات دولت علم این بود که در ۲۴ شهریور ۱۳۴۱ اعلام کرد به هیچ کشوری اجازه تأسیس پایگاه موشکی در ایران را نخواهد داد. این مسئله در فضای سیاسی و مطبوعات به نام اسدالله علم ثبت شد و از تیرگی روابط بین ایران و شوروی کاست. البته این تصمیم با اطلاع و هماهنگی دولت آمریکا و موافقت محمدرضا شاه اخذ و اعلام شده بود اما در ظاهر اقدامی ملی نمایانده شد.

در دوران نخست‌وزیری علم انتخابات مجلس شورای ملی به شکلی ظاهری برگزار می‌شد، زیرا از قبل افرادی به عنوان نماینده انتخاب شده بودند. علینقی عالیخانی که به عنوان وزیر اقتصاد در کابینه علم حضور داشت، در مورد انتخاب افراد با نظر مستقیم شاه می‌نویسد: «وی [شاه] برای استوار ساختن موقع خود نیازمند نوآوری و پویایی اجتماعی و سیاسی بود و در این زمینه بی‌گمان

در سال‌های نخستین کامیاب شد. حتی انتخابات مجلس در سال ۱۳۴۲ با آن که طبق نقشه قبلی انجام گشت و فهرست

نمایندگان از پیش به تصویب رسیده بود، باز هم به علت ترکیب آن موجب امیدواری بود.» [۳]

حسین فردوست قائم‌مقام وقت ساواک نیز از وجود کمیسیونی سه نفره شامل خودش، اسدالله علم و حسنعلی منصور خبر می‌دهد که وظیفه آن بررسی و انتخاب افرادی برای نمایندگی مجلس بود. در این کمیسیون علم حرف آخر را می‌زد و لیست افراد بعد از تأیید برای بررسی امنیتی به ساواک ارجاع می‌شد. فردوست بیان می‌کند حتی در دوران نخست‌وزیری امیرعباس هویدا نیز علم همیشه حرف آخر را می‌زد. [۴]

اقدام دیگر دولت علم ارائه تصویب‌نامه‌ای جدید مربوط به انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود. کابینه اسدالله علم در قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی (که پیش از آن در قانون اساسی موجود بود و به تشکیل شوراهای استان‌ها و شهرستان‌ها مربوط می‌شد) تغییراتی ایجاد کرد و در غیاب مجلس شورای ملی آن را با ۹۲ ماده و ۱۷ تبصره در ۱۴ مهر ۱۳۴۱ به تصویب رساند. مجلس شورای ملی به دلیل اختلافات موجود بین دولت‌های پیش از اسدالله علم به دستور محمدرضا شاه تعطیل شده بود [۵] و در دوران نخست‌وزیری علم این تعطیلی ادامه یافته بود. علم و شاه از این تعطیلی استفاده کردند تا برنامه‌های مدنظر خود را عملی کنند که انجمن‌های ایالتی و ولایتی نیز از جمله این برنامه‌های بحث‌برانگیز بود. با انتشار خبر ارائه تصویب‌نامه‌ای جدید مربوط به انجمن‌های ایالتی و ولایتی در روزنامه‌ها در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ مشخص شد در این تغییرات برای زنان حق رأی پیش‌بینی شده است و همچنین شرط مسلمان بودن و سوگند به قرآن مجید از شرایط انتخاب شونده‌گان حذف شده بود. [۶]

این قانون به دلایلی که اشاره خواهد شد، با اعتراض علمای اسلام از جمله امام خمینی مواجه شد و آن‌ها طی تلگرافی به اسدالله علم مخالفت خود را با آن مصوبه اعلام کردند. در این تلگراف علما ورود زن‌ها به مجلس و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری‌ها را خلاف قوانین اسلامی و مباین با قانون اساسی تشخیص داده و حذف «شرط اسلام» برای انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده و همچنین جایگزینی قسم به «کتاب آسمانی» به جای قرآن را خطری بزرگ برای اسلام و استقلال مملکت دانستند. [۷] همچنین امام خمینی در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۴۱ مستقلاً تلگرافی به شاه ارسال کرد و نسبت به اقدامات علم هشدار داد و تأکید کرد اگر شاه علم را ملزم به تبعیت از قانون اسلام و قانون اساسی نکند، ناگزیر یک نامه سرگشاده به شاه خواهد نوشت و مطالب دیگری را تذکر خواهد داد. [۸]

در ابتدا علم بدون توجه به وسعت اعتراضات قصد مقابله با مخالفان را داشت. او روز ۱۸ آبان ۱۳۴۱ در یک برنامه رادیویی اعلام کرد «به قوای انتظامی دستور اکید داده شده هرگونه اخلاص‌گری را شدیداً سرکوب کنند و از مختل شدن نظم و امنیت جلوگیری نمایند.» و به عنوان اتمام حجت با علما گفت: «چرخ زمان به عقب برنمی‌گردد و دولت از برنامه‌های اصلاحی که در دست دارد، عقب‌نشینی نمی‌کند.» [۹] اما مقاومت امام خمینی و دیگر علما که با پشتیبانی مردمی همراه بود، دولت را وادار به عقب‌نشینی کرد و در ۷ آذر ۱۳۴۱ تصویب شد که مصوبه ۱۴ مهر قابل اجرا نیست و در ۱۰ آذر نیز این خبر در مطبوعات منتشر گردید. [۱۰]

اصلاحات ارضی

محمدرضا شاه نخست‌وزیری علم را بهترین فرصت برای اجرای مجموعه برنامه‌های خود که به «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و ملت» معروف شدند، می‌دید. او از علم به عنوان نخست‌وزیر دو انتظار داشت. اول این که مانع هرگونه شکل‌گیری مخالفت و اعتراض شود و دوم این که افتخار انجام این اقدامات را به شاه منتسب کند. انتساب انقلاب سفید به شاه، مخالفت‌ها را هم به سمت شاه

هدایت می‌کرد که در این مورد نیز علم مسئولیت برخورد با مخالفان را برعهده گرفت. [۱۱]

اولین اعتراض‌ها در شیراز و در بین خان‌های استان فارس شکل گرفت که با کشته شدن تعدادی از دو طرف با سرکوب دولت در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۲ به پایان رسید. این مسئله فرصتی برای دولت علم فراهم کرد تا تبلیغات منفی علیه معترضان شکل دهد و سرکوب آن‌ها را برای از بین بردن نظام خانی در کشور لازم بداند. [۱۲]

اجرای برنامه اصلاحات ارضی به آن شکل ارائه شده [۱۳] موجب برهم خوردن نظام اجتماعی کشور، افزایش فقر، مهاجرت از روستاها به شهرها و گسترش حلی‌آبادها، تضعیف اقتصاد و کشاورزی، افزایش واردات محصولات زراعی و... می‌شد. امام خمینی از جمله علمایی بودند که از ابتدا با اجرای اصلاحات ارضی به آن شکل مخالف کردند. اما این اعتراض به گونه‌ای نبود که با اصل اصلاحات مخالف باشند. [۱۴] امام خمینی بعدها در مورد اقدامات انجام شده به نام اصلاحات ارضی می‌گویند: «اصلاحات ارضی به امر دولت آمریکا بود برای آن که بازار درست کنند که چیزهای آن‌ها به فروش برود یعنی زراعت ما به هم بخورد، ما محتاج بشویم. الان هم که می‌بینید که هرچی می‌خواهیم از خارج باید بیاید، زراعت ما این جور شد؛ زراعت ما را آن جور کردند.» [۱۵] دولت اسدالله علم علی‌رغم اعتراضات مردمی با برگزاری یک فرماندوم نمایشی در ۶ بهمن ۱۳۴۱ اصلاحات ارضی مد نظر خود را بدون توجه به انتقادات کارشناسانه آغاز کرد. [۱۶]

واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

بعد از سخنرانی‌های منتقدانه و افشاگرانه امام خمینی علیه دولت علم و رژیم پهلوی، او وقوع درگیری‌هایی را در کشور پیش‌بینی کرده بود. علم چند روز پیش از شروع حوادث خرداد ۱۳۴۲ به شاه یادآور می‌شود که «در صورت تظاهرات احتمالی آینده ... باید بزنیم» و در برابر پرسش شاه که چگونه باید زد؟ پاسخ داده بود «یعنی با گلوله بزنیم. اگر موفق شدیم که چه بهتر، وگرنه مرا مسئول معرفی کنید.» [۱۷]

علینقی عالیخانی وزیر وقت اقتصاد و از دوستان نزدیک علم در مورد نقش او در واقعه ۱۵ خرداد می‌نویسد: «هنگامی که در بامداد روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ (۵ ژوئن ۱۹۶۳) تظاهرات در اطراف بازار تهران آغاز شد، علم آمادگی کامل داشت و به رئیس شهربانی وقت، سپهبد [نعمت‌الله] نصیری، تلفنی دستور تیراندازی داد و در برابر تردید نصیری یادآور شد که این دستور را به عنوان نخست‌وزیر می‌دهد و نامه مؤید این دستور را نیز بی‌درنگ برای او خواهد فرستاد. خود نیز پس از ساعتی به دفتر نصیری رفت و از نزدیک شاهد وضع روز بود. این خونسردی و قاطعیت علم اثر بسیار مثبتی داشت و مسئولان انتظامی توانستند در چند ساعت به این غائله پایان دهند و تظاهرکنندگان را به شدت سرکوب کنند.» [۱۸]

محسن مَبَصَّر معاون وقت شهربانی کل کشور که از طرف نعمت‌الله نصیری ریاست این سازمان مأمور شده بود تا برای کنترل اوضاع شهر قم در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ به این شهر برود، معتقد است یک طرحی در جریان بوده است که ابتدا مانع سخنرانی امام خمینی نشوند و بعد از دستگیری امام خمینی و آغاز اعتراضات، معترضان را به شدت سرکوب کنند. مبصر بیان می‌کند: «از پیامدهای دستگیری و بازداشت خمینی، بی‌هیچ تردید همه سازمان‌های اطلاعاتی و انتظامی کشور آگاه بوده و آن را پیش‌بینی کرده بودند. با این همه سهل‌انگاری در پیش‌بینی‌های درباریست (لازم) و به جا آوردن احتیاط پس از بازداشت یک آیت‌الله (من آن را نه سهل‌انگاری که تعمد می‌دانم) به هیچ وجه قابل توجیه نمی‌تواند باشد.» [۱۹]

شاه که مأموریت اسدالله علم را در دولت کافی دیده بود، حسنعلی منصور را به عنوان نخست‌وزیر بعدی انتخاب کرد. به این ترتیب علم در ۱۷ اسفند ۱۳۴۲ از مقام خود استعفاء داد و در همان روز حسنعلی منصور دولت خود را معرفی نمود. [۲۰] علم شخصاً از تغییر دولت راضی نبود، اما چاره دیگری هم نداشت. شاه نیز در پاسخ به درخواست استعفاء او عباراتی تحسین‌آمیز و بی‌سابقه به کار برد. محمدرضا شاه خطاب علم نوشت: «استعفاءی شما از سمت نخست‌وزیری ملاحظه و پذیرفته شد. خدمات پرارزشی که در حوزه نخست‌وزیری انجام داده‌اید بزرگ‌ترین افتخار شما خواهد بود زیرا مصادف بوده است با انقلاب بزرگ ۶ بهمن ماه ۱۳۴۱ و تمام اقدامات دیگری که در تکمیل انقلاب در سال ۱۳۴۲ انجام گرفت. عواطف مخصوص خودمان را به شما و همکاران شما ابلاغ می‌نماییم. خدمت‌گذاری و صمیمیت و فداکاری شما را هرگز فراموش نخواهیم کرد.» [۲۱]

یازده روز بعد از استعفاء از دولت، اسدالله علم در ۲۸ اسفند ۱۳۴۲ به ریاست دانشگاه پهلوی شیراز منصوب شد.

منابع:

- [۱]. روزنامه اطلاعات، ۳۰ تیر ۱۳۴۱، ص ۱.
- [۲]. یادداشت‌های علم، ج ۱، ص ۴۱.
- [۳]. همان، ص ۴۶.
- [۴]. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۲۵۷.
- [۵]. روزنامه اطلاعات، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۰، ص ۱.
- [۶]. روزنامه اطلاعات، ۱۶ مهر ۱۳۴۱، ص ۱۷ - ۱۸.
- [۷]. تلگراف به اسدالله علم درباره انجمن‌های ایالتی و ولایتی، ۲۸ مهر ۱۳۴۱، صحیفه امام خمینی، ج ۱، ص ۸۰ - ۸۱.
- [۸]. تلگراف به محمدرضا پهلوی در اعتراض به عملکرد اسدالله علم، ۱۵ آبان ۱۳۴۱، صحیفه امام خمینی، ج ۱، ص ۸۹.
- [۹]. مروری در واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ و قانون مصونیت نظامیان آمریکایی، ایرج پزشک‌زاد، ص ۱۳.
- [۱۰]. روزنامه اطلاعات، ۱۰ آذر ۱۳۴۱، ص ۱۷.
- [۱۱]. یادداشت‌های علم، ج ۱، ص ۴۲.
- [۱۲]. همان، ص ۴۳.
- [۱۳]. قانون اصلاحات ارضی در سه مرحله به اجرا در آمد.
- [۱۴]. سخنرانی در جمع دانشجویان درباره اوضاع ایران و اصلاحات آمریکایی شاه، ۲۱ مهر ۱۳۵۷، صحیفه امام خمینی، ج ۳، ص ۵۲۱.
- [۱۵]. روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، باقر عاقلی، ج ۲، ص ۱۵۰.

[۱۶]. یادداشت‌های علم، ج ۱، ص ۴۴.

[۱۷]. همان، ص ۴۵.

[۱۸]. پژوهش: نقدی بر کتاب «خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست» و گزیده‌هایی از یادمانده‌های نویسنده، محسن مبصر، ص ۳۹۴.

[۱۹]. روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۱۶۹.

[۲۰]. قیام پانزدهم خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۴، ص ۳۸۱.

[۲۱]. مردی برای تمام فصول، ص ۴۷۲.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۵۰۰۲۶/علم-منصور-رفته-علم/۵۰۰۲۶>